

خبر

تعلیق کمک نظامی کاخ سفید به مصر

● شبکه سسی‌ان‌ان از تصمیم دولت جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، برای تعلیق بخشی از کمک‌های نظامی کشورش به قاهره به‌عنوان اقدامی تنبیهی خبر داد. به گزارش ایسنا، شبکه سسی‌ان‌ان گزارش داد که دولت آمریکا تصمیم دارد ۱۳۰ میلیون دلار از کمک‌های نظامی اختصاص داده‌شده به مصر را به دلیل پایندنبودن قاهره به شروط حقوق بشر تعیین‌شده از سوی واشنگتن متوقف کند. این شبکه عنوان کرد که این اقدام نادر کاخ سفید علیه یک متحد نزدیک تنها چند روز قبل از ضرب‌الاجل ۳۰ ژانویه برای وزارت امور خارجه برای اعلام برنامه‌های پولی انجام می‌شود. یک مقام ارشد در وزارت امور خارجه گفت: آخرین جایی که به ۱۳۰ میلیون دلار نیاز دارد، مصر است. سسی‌ان‌ان اعلام کرد که سفارت مصر در واشنگتن به درخواست‌ها برای اظهارنظر دراین‌باره پاسخ نداده است؛ اما یکی مقام ارشد وزارت خارجه مصر گفت که به آنها ابلاغ شده این کمک را دریافت نخواهند کرد.

کمیسر حقوق بشر سازمان ملل در راه سین‌کیانگ

● مسئله سرکوب مسلمانان اویغور در چین به سوزه اصلی نقض حقوق بشر پیش از مسابقات المپیک زمستانی پکن تبدیل شده است. این موضوع باعث شده تا برخی از کشورها مسابقات را تحریم کنند. در این شرایط چین پذیرفته است تا پس از پایان بازی‌های المپیک زمستانی، کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (UNHCR) را برای بازدید از سین‌کیانگ میزبانی کند. براساس گزارش اختصاصی روزنامه چینی «ساوت چینا مورنینگ پست»، میشل باشله، کمیسر حقوق بشر سازمان ملل متحد، قرار است پس از «المپیک زمستانی پکن» از منطقه سین‌کیانگ چین دیدار کند. موافقت با این سفر در حالی صورت می‌گیرد که کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل از سپتامبر سال ۲۰۱۸ مذاکراتی را با پکن برای برنامه‌ریزی انجام این سفر پیگیری کرده است. دولت چین مجوز این سفر را به شرطی صادر کرده است که سفر «دوستانه» باشد و به‌منظور تحقیق‌وتفحص انجام نشود. گروه‌های حامی حقوق بشر مدت‌هاست که چین را به سرکوب سیستماتیک اقلیت مسلمان اویغورها، در استان سین‌کیانگ متهم می‌کنند. تگرانی‌هایی درمورد نقض حقوق بشر با اجرای اقداماتی مانند حبس گروهی، کار اجباری، شکنجه و تجاوز جنسی بیش از یک‌میلیون اویغور در بازداشتگاه‌های منطقه وجود دارد. گفته است که این مراکز به‌عنوان بخشی از برنامه‌ای برای جلوگیری از خشونت و اقدامات جدایی‌طلبانه فعالیت می‌کنند. منابع آگاه به روزنامه «ساوت چینا مورنینگ پست» گفتند که پکن خواستار «تأخیر» در انتشار گزارش آتی کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل درمورد سین‌کیانگ تا پایان بازی‌ها شده است.

کمتر از یک هفته پس از خروج اعتراض‌آمیز نخست‌وزیر سابق لبنان از عرصه سیاسی این کشور فردی دیگر از خانواده حریری وارد میدان سیاست شد. پس از اعلام کناره‌گیری «سعد حریری» از فعالیت سیاسی و حضور در انتخابات پارلمانی لبنان، بها حریری برادر بزرگ‌تر او برای حضور در این انتخابات اعلام آمادگی کرد. بها حریری در بیامی تلویزیونی دلیل حضور در عرصه سیاسی را ادای دین به پدرش خواند و گفت: «من راه رفیق حریری را ادامه خواهم داد. نه ندین، نه اخلاق و نه تربیت ما به‌عنوان فرزندان شهید رفیق حریری اجازه نمی‌دهد که از مسئولیت خود برای قراردادن امکاناتمان در راه پیشرفت لبنان شانه خالی کنیم. خانواده کوچک شهید رفیق حریری و همچنین خانواده بزرگ او از هم پاشیده نشده و نخواهد پاشید و با مشارکت و همبستگی هم برای بازگرداندن حاکمیت وطن نبرد خواهیم کرد. آنچه را از پدر «شهیدمان» آموختیم، ادامه خواهیم داد و فرزند رفیق حریری هرگز لبنان را ترک نخواهد کرد، ما در کنار شما هستیم». هفته گذشته سعد حریری، رئیس جریان «المستقبل» و نخست‌وزیر سابق لبنان در اعتراض به «نفوذ ایران در لبنان» و «اداست رفتن اعتبار سیاسی در پی کوتاه‌آمدن در برابر حزب‌الله لبنان» از سیاست در لبنان کناره‌گیری کرده بود. سعد حریری از حزب خود نیز خواسته بود تا هیچ نامزدی برای انتخابات پارلمانی پیش‌رو معرفی نکنند. بها حریری ۵۵ساله یک تاجر میلیاردر لبنانی-عربستانی است که هرگز سمت سیاسی نداشته و غیر از چند موضوع‌گیری سیاسی، تا حد زیادی از سیاست فاصله گرفته است اما اکنون قصد دارد به‌جای برادر کوچک‌تر خود وارد میدان شود.
باین‌حال روبرو بها به سیاست چندان عجیب نبود و احتمال حضور او در سیاست لبنان در ماه‌های گذشته در رسانه‌ها مطرح شده بود. رسانه‌های لبنانی خبر داده بودند که جریان المستقبل لبنان وضعیت سیاسی مناسبی ندارد و درحال فروپاشی است و به‌همین‌دلیل و برای جلوگیری از وقوع چنین امری تلاش می‌شود تا به هر شکل ممکن سعد حریری از رهبری آن کنار گذارده شده و یک عضو دیگر از خانواده حریری جانشین او شود. روزنامه العرب هم در گزارشی دراین‌باره نوشته بود که روند کنارگذاشته‌شدن سعد حریری از رهبری جریان المستقبل کلید خورده و قرار است هم‌زمان با آغاز

مریم جعفری: این ناپلئون بنابارت بود که گفت «هر دولت جغرافیای سیاسی خود را دارد». پس بهتر است پیش از هر گمانه‌زنی درباره جهان در سال ۲۰۲۳ و حوادث فراتر از آن، به یاد داشته باشیم که در بررسی روابط بین‌الملل در قاره اروپا، به قول مارشال دوگل، منظور از اروپا، تمامی قاره اروپا از «اقیانوس اطلس تا کوه‌های اورال» است؛ نه اتحادیه اروپا ۲۷عضوی که بروکسل از نظر زبانی آن را ۴۴ کشور مستقلی که سازمان ملل متحد از آن به‌عنوان اروپا یاد می‌کند، ترکیب کرده است.

از این ۴۴ کشور، چهار کشور همچنان از قدرت‌های بزرگ اروپایی هستند، همان‌طورکه از سال ۱۸۷۰ میلادی بوده‌اند: بریتانیا، آلمان، فرانسه و روسیه. آنها هنوز هم



اعلام ورود برادر بزرگ سعد حریری به عرصه سیاسی لبنان

«بها» جانشین «سعد»

تبلیغات انتخابات مجلس لبنان اجرانی شود. در این بین دو نام برای جانشینی او بر سر زبان‌ها افتاده است، یکی بهیه الحریری (عمه سعد حریری) و دیگری برادر بزرگ‌ترش بها است که ظاهرا شانس دومی بیشتر به نظر می‌رسد. رسانه‌های لبنانی اعلام کردند

بها الحریری دستور اجاره بیلودرهای بزرگی را برای تبلیغات انتخاباتی در شهرهای مختلف لبنان داده و در این رابطه با یکی از شرکت‌های فعال در زمینه تبلیغات هم قرارداد امضا کرده است. این اقدامات درحالی انجام می‌شود که او در آخرین گفت‌وگوی

بها حریری کیست

بها حریری متولد ۱۹۶۷، یک میلیاردر لبنانی-عربستانی و پسر بزرگ رفیق حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان است. بها از «نیذا بوستانی» عراقی، همسر اول رفیق حریری به دنیا آمد. ثروت او از سال ۲۰۱۱ تاکنون به بیش از ۲٫۵ میلیارد دلار تخمین زده شده که او را در میان ۵۰۰ فرد ثروتمند جهان قرار می‌دهد. او در سال مالی ۲۰۱۵، بیش از یک‌میلیون دلار به شورای اتلانتیک، یک اتاق فکر تأثیرگذار آمریکایی اهدا کرد. بها حریری مدرک لیسانس خود را از دانشگاه بوستون در سال ۱۹۹۰ گرفت و سپس به عربستان بازگشت تا در شرکت ساخت و توسعه خانواده‌اش با عنوان «اوکر» کار کند. او در سال ۲۰۰۸، از تجارت خانواده‌اش جدا شد و اکنون شرکت املاک و مستغلات خود با نام Horizon Group را در سوئیس اداره می‌کند و همچنین مدیر پروژه العبدالی در اردن است. بها حریری از دواج کرده و دارای سه دختر به نام‌های سارا، باهیا و دانا است.

دوئل فرانسه و آلمان بر سر روسیه

برجمعیت‌ترین، ثروتمندترین (به‌جز روسیه) و دارای ارتش آماده (به‌جز آلمان) هستند. در این مدت طولانی، موقعیت ژئواستراتژیک آنان تغییر چندانی نکرده است؛ البته به غیر از آلمان پس از جنگ. ژول میشله از مورخان بزرگ قرن نوزدهم که مردی آزادی‌خواه و روشنفکر بود، عادت داشت سخنرانی‌هایش را در دانشگاه با سخنی درباره بریتانیا آغاز کند: «اقایان، انگلستان یک جزیره است و اکنون شما به اندازه من، از تاریخ این کشور می‌دانید». در طول قرن‌های نوزدهم و بیستم، یکی از موضوعات اصلی

بریتانیا همچنان یکی از قدرتمندترین کشورهای جهان است و بدون شک برای نخستین بار در طول تاریخ خود، قدرتمندترین کشور در اروپای غربی است؛ ازهمین‌رو اتحادیه اروپا که توسط وزیر خارجه پیشین بلژیک، «فول اقتصاد، کثورتول سیاسی و گرم نظامی» توصیف شده، ممکن است از موضع انتقام‌جویانه خود با پس بکشد؛ چراکه تنش جدید با حتی وقوع درگیری می‌تواند تمام قاره اروپا را به نابودی بکشدان.

در اکثر دوران پس از جنگ، آلمان غربی قدرتی مطیع متعهد به ائتلاف غربی بود و نقشش به‌گونه‌ای توسط فرانسه‌ای‌ها تسویه شده بود که تحت کنترل جوامع اروپایی بماند. رانسوا موریاک، روزنامه‌نگار، نویسنده فرانسوی و برنده جایزه نوبل ادبیات سال ۱۹۵۲ به طرز طعنه‌آمیزی دوگانگی فرانسه با آلمان را به تصویر می‌کشد و می‌نویسد: «ما آلمان را دوست داریم؛ ما خوشحالیم که دو تا از آن وجود دارد». اما با اتحاد آلمان غربی و شرقی، قدرت اقتصادی و سیاسی برلین افزایش یافت و بی‌پروا به‌سوی استقلال بیشتر گام برداشت؛ امری که ناراحتی فرانسه را به دنبال داشت.

تونی جود، مورخ و استاد مطالعات اروپا در دانشگاه نیویورک، رابطه پاریس و برلین را این‌گونه خلاصه می‌کند که «شما وانمود می‌کنید که قدرتمند نیستید و ما وانمود خواهیم کرد که متوجه آن نمی‌شویم». آنچه این روزها به‌خوبی از پاریس مشاهده می‌شود، آن است که آلمان کمتر از فرانسه تبعیت می‌کند، از مسائل مربوط به انرژی هسته‌ای تا وابستگی بیشتر به گاز روسیه. نخستین لحظه‌ای که به نظر رسید آلمان در مسیری مستقل در حال حرکت است و فرانسه به‌شدت از آن وحشت داشت، به دهه ۱۹۷۰ میلادی بازمی‌گردد؛ همان زمانی که برلین سیاست «اوست‌پولیتیک» را در پیش گرفت و به‌طور فزاینده‌ای در آغوش اتحاد جماهیر شوروی غش کرد (وینلی برانت از حزب سوسیال‌دموکرات در ائتلافی با حزب لیبرال‌دموکرات آزاد، صدراعظم آلمان شد. دولت او سعی در عادی‌سازی روابط با آلمان شرقی و بلوک شرق داشت، سیاستی که به اوست‌پولیتیک معروف است). فرانسه از همان دوران تکرانی عمیقی از نزدیکی روسیه و آلمان به یکدیگر داشت و همچنان دارد.

پس به‌جای اینکه دیپلماسی فرانسه دولت جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا به اشتباه تعبیر شود و این تصور به وجود بیاید که دست در گسترش پاریس خواهد گذاشت، پاریس ممکن است بار دیگر اشتباه و بر این‌من موضوع تکیه کند که ائتلاف

دارد، مهم‌ترین گزینه برای ورود به عرصه انتخابات است. مصطفی علوش، جانشین رئیس جریان المستقبل، تمامی این گمانه‌زنی‌ها را رد کرده بود و مانند سعد حریری وجود هر نوع اختلاف با عربستان را از پایه و اساس تکذیب می‌کرد اما علوش هم پس از کناره‌گیری اخیر سعد حریری اعلام کرد که او هم حاضر به شرکت در رقابت‌های انتخاباتی نیست.

بها حریری در ماه نوامبر در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که قصد دارد پس از ۱۵ سال مدیریت شرکت‌های خود وارد عرصه سیاسی لبنان شود. حریری دلیل تصمیم خود برای ورود به سیاست را هم انفجار مرک‌بار در بندر بیروت در اگوست ۲۰۲۰ عنوان کرد که حداقل ۲۰۰ کشته بر جا گذاشت. بها و سعد حریری اختلاف‌های سیاسی آشکاری دارند و از جمله آنها تصمیم سعد حریری برای دستیابی به سازش سیاسی با حزب‌الله لبنان است. بها مخالف هرگونه سازش با حزب‌الله است. براساس حکم دادگاه ویژه سازمان ملل، اعضای این‌س گروه در ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر سابق لبنان دست داشتند.

باین‌حال حزب‌الله هرگونه مشارکت در این ترور را رد می‌کند. بها حریری پس از انفجار بندر بیروت تأکید کرده بود که در اواخر سال ۲۰۲۰ با هفته‌های اول سال ۲۰۲۱ طرحی کامل برای بازگشت امنیت و آرامش به لبنان ارائه نخواهد کرد. طرحی که با گذشت بیش از یک سال ارائه نشده است. او هم‌زمان با شدت‌گرفتن تظاهرات در لبنان نام خود را به‌عنوان چهره‌ای نزدیک به معترضان و منتقد برادرش مطرح کرد و تأکید کرده که سند طائف تاکنون اجرا نشده و در این میثاق تصریح شده که همه گروه‌های شبه‌نظامی باید سلاحشان را تحویل دهند. «مهند حاج علی»، تحلیلگر مرکز خاورمیانه بنیاد کارنگی، درباره ورود بها حریری به سیاست می‌گوید: «بیام بها حریری برای ورود به عرصه سیاسی لبنان هشداری بود در این مورد که او اجازه نمی‌دهد در عرصه سیاست سنی‌های لبنان خلا ایجاد شود و او برای جانشینی برادرش بلافاصله وارد عمل شد. درعین‌حال بسیار دشوار است که ببینیم او بتواند این خلا را پر کند؛ مگر اینکه پشتوانه منطقه‌ای و تأمین مالی بسیار قدرتمندی پشت‌سر او باشد. اگر او مایل به خرج‌کردن پول در جامعه سنی لبنان و مهم‌ترین متحدان این بخش از جامعه باشد، شاید بتواند به موفقیت دست پیدا کند».

اولاف شولتس، صدراعظم جدید آلمان، براساس منافع استراتژیک پاریس چنین شکل گرفته است. این در حالی است که تنها قدرت اروپایی که بیشترین ضرر را از سیاست جدید بریتانیا در قاره اروپا متحمل شده، فرانسه است؛ چراکه با خون‌خواهی پنج‌ساله انامنول مکرون از برگزیت، لندن بیشتر تشویق می‌شود که به سمت کشورهای دیگر کشیده شود. همچنین فرانسه پس از برگزیت نمی‌تواند همراه با بریتانیا و در برابر آلمان قرار بگیرد تا برلین از مسیرش در اتحادیه اروپا منحرف نشود و این در حالی است که پاریس به‌شدت به‌دنبال چنین سیاستی است و اکنون در مدیریت آلمان در حال رشد، تنها‌تر از همیشه است.

آندره فوئتن، سردبیر مشهور روزنامه لوموند در سال ۱۹۵۲ میلادی گفته بود: «فرانسه یک سیاست آلمانی دارد و چیز دیگری هم ندارد». حداقل از سال ۱۸۷۰ روزال به این منوال بوده است و از زمان «طرح بریان» در سال ۱۹۲۹، ادغام و یکپارچگی اروپا در حقیقت ابزار فرانسوی به شمار می‌رفت که برای مهار کالیپور آلمانی به کار گرفته می‌شد. (پیمان بریان-کلوگ یا پیمان پاریس در ۲۷ اگوست ۱۹۲۸ توسط ۹ دولت به امضا رسید. نام رسمی این پیمان، پیمان همگانی برای خودداری از حمله است. پیشگامان آن فرانک کلوگ، وزیر خارجه آمریکا و آرسنید بریان، وزیر خارجه فرانسه بودند و در ۱۹۳۰ کامیابش همه دولت‌ها آن را پذیرفتند).

با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، آلمان در موقعیت فرماندهی در بروکسل باقی ماند؛ بنابراین می‌توان این انتظار را داشت که مکررون در صورت انتخاب مجدد در کسوت ریاست‌جمهوری فرانسه، به‌دنبال طناب‌های بیشتری برای مهار کالیپور باشد. هر بار که آلمان می‌خواهد خود را مطرح کند، فرانسه با فدرالیسم بیشتری پا به میان می‌گذارد و ترفند «ماستریخت» پس از اتحاد دو آلمان، آموذنترین آنهاست.

در شرایطی که فرانسه درگیر انحطاط است -به‌ویژه در رابطه با آلمان- همچنان می‌کوشد با ادغام بیشتر در این اتحادیه، حاکمیت آلمانی را بیشتر محدود کند. برای مثال تنها چند هفته پیش مکررون خواستار شکل‌گیری فدرالیسم در اتحادیه اروپا شد. اخیرا مکررون، ماریو دراگی، نخست‌وزیر ایتالیا و رئیس سابق بانک مرکزی اروپا مقاله‌ای را در فاینانشلتاینز منتشر کرد که در آن از اتحادیه اروپا خواستند روش محاسبه‌گیری بوجه‌ای را که از آلمان الهام‌گرفته شده است، حذف کنند؛ اما دولت جدید برلین به‌سرعت درحال آموختن روش‌های است که از دیپلماسی فشار حداکثری مکررون فاصله بگیرد اما همچنان این پرسش پابرجاست که آیا برلین تمایلی برای پیروی از خط فرانسه دارد یا خیر و در این میان روسیه را فراموش خواهد کرد.

حرکات ژئواستراتژیک برلین از همان ابتدا برای قاره اروپا سرنوشت‌ساز بوده است و همان‌طورکه زمانی چرچیل آن را توصیف می‌کرد، باقی خواهد ماند: «معما، پیچیده‌شده در یک راز و در درون معمای دیگری». از طرفی دیگر، با وجود اینکه فرانسه یکی از معماران سازمان ناتو در سال ۱۹۴۹ میلادی بود و اکنون یکی از مهم‌ترین منتقدان این سازمان نیز هست، ناتو همچنان کلید امنیت قاره اروپاست. لرد اسمای، نخستین دبیرکل ناتو، این سازمان را این‌گونه توصیف کرده است: «روس‌ها را بیرون نگه دارید، آمریکایی‌ها را در داخل و آلمانی‌ها را در پایین رده»، و حال باید دید با حضور و تسلط بایدن، مکررون و شولتس در عرصه بین‌الملل، آیا هنوز امکانی به تحقق اهداف اصلی هست یا خیر.

روزنه

روپای یک امپراتوری روسی

● تکرانی از جنگ، اقتصاد روسیه را متلاطم می‌کند. بازار سهام در معرض خطر قرار دارد و در صورت سقوط، روبل را با خود به پایین می‌کشد. به‌علاوه پس از این موضوع، افزایش قیمت‌ها و کاهش دستمزدها نیز به مشکلات اضافه خواهد شد. باین‌حال هیچ‌یک از این تکرانی‌ها، مانع از ماجراجویی‌های ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه، نشده است.

در هر صورت لفاظی کرملین نشان می‌دهد که مایل است اقتصاد را به مسلخ جاه‌طلبی پوتین قربانی کند تا مرزهای امنیتی را که از پایان جنگ سرد برقرار است، از نو ترسیم کند. پوتینکو در مطلبی با اشاره به شرایط نسبتاً مناسب اقتصاد روسیه، می‌نویسد: دلایلی وجود دارد که برآوردها از وضعیت آینده اقتصادی روسیه دست‌کم در‌حال‌حاضر صحیح است. با وجود سال‌ها تحریم و یک بیماری همه‌گیر، اقتصاد روسیه برای ادامه حیات در یک بحران، نسبت به بسیاری دیگر از کشورها مجهزتر است. دراین‌حال پوتین از داخل کشور هم خیالش راحت است. اپوزیسیون سرکوب و به سکوت وادار شده است. حتی انتقادات روس‌ها از سطح دستمزدها نیز تأثیر چندانی بر وضعیت کشور ندارد. سرگئی گوریف، اقتصاددان ارشد سابق بانک اروپایی بازسازی و توسعه که سابقاً استاد سانسئس پو اوست، به پوتینکو گفت: «سیاست خارجی برای پوتین مهم‌تر از پیامدهای اقتصادی اقدامات او است». او افزود: «در کشورهای دموکراتیک، چنین تصمیماتی بهای سیاسی دارد. پوتین در روسیه از نارضایتی عمومی نمی‌ترسد. اپوزیسیون سرکوب شده است و او فکر می‌کند که تبلیغات و سانسور مردم را از دانستن اوضاع به بازمی‌دارد. روسیه قیلا هم این‌طوری بوده است».

پس از اینکه این کشور کریمه را در سال ۲۰۱۴ به خاک خود ضمیمه کرد، غرب روسیه را تحریم کرد و روبل را به‌شدت تحت فشار قرار داد. به دلیل تحریم‌های بیشتر، نوسان قیمت نفت و بیماری همه‌گیر کرونا، وضعیت روبل هرگز بهبود نیافت. این‌س پیامدها پوتین را از روپای خود بازداشت. تا پیش از این شعار این بود: شرایط زندگی بهتر حتی اگر آزادی‌های سیاسی کاهش یابد؛ اما حالا پوتین به‌جای آن چیز دیگری را به آنها پیشنهاد می‌کند: روپای یک امپراتوری روسی. پوتین استولواای، مؤسس شرکت مشاوره ا پوتلیتک، دراین‌باره گفت: «پوتین معتقد است که یک ماموریت تاریخی دارد و روس‌ها به او به‌کار هستند و باید همه مسئولیت‌ها را محمول کنند. از نظر پوتین، جنگ با اوکراین به دلیل بقای روسیه است». پوتین دلایل بسیاری برای اعتقادبه‌نفس دارد. روسیه از لحاظ تاریخی نسبت به سال ۲۰۱۴ در برابر ضربات اقتصادی بیرونی آماده‌تر شده است؛ موضوعی که شاید پوتین را قانع کرده که می‌تواند توفان بعدی را پشت‌سر بگذارد. قیمت نفت بالاست و وضعیت اقتصاد کلان روسیه مشکل بزرگی ندارد. گوریف، اقتصاددان سابق، در این زمینه گفت: بودجه متعادل است. علاوه‌براین روسیه دارای یک صندوق دارایی دولتی با نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی است که می‌تواند برای اعطایبه‌نفس دارد. روسیه از لحاظ تاریخی نسبت به بسیاری از کشورها مزیت بزرگی دارد: اگر نرخ بهره را افزایش دهد، مشکلی در پرداخت بدهی دولتی خود نخواهد داشت».

باین‌حال واقعیت زندگی روزانه برای اکثر خانوارهای روسی، چندان خوشایند نیست. تقریباً یک دهه است که درآمدهای واقعی را‌کد بوده و رشدی نداشته است. برخی از مشکلات با افزایش قرض‌گرفتن از بین رفته است؛ اما شکاف‌ها خود را نشان می‌دهند. یک زن جوان در پستی احساسی که در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، با طعنه می‌گوید: «بهرزودی باید فقط برای خرید نان وام بگیرم، چون حقوق ماهانه من پس از آنکه در حساب بانکی‌ما ظاهر می‌شود، بلافاصله تبخیر می‌شود». به گزارش پوتینکو، در یک نظرسنجی مستقل، بیش از ۴۰ درصد از پاسخ‌دهندگان وضعیت اقتصادی روسیه را «بد» یا «بسیار بد» توصیف کردند. از ابتدای سال، رسانه‌ها و رسانه‌های اجتماعی، درگیر مقایسه قیمت‌ها شده‌اند. نتیجه‌گیری کلی: برای بسیاری از روس‌ها، تومری که تجربه می‌کنند، بسیار بالاتر از نرخ رسمی رشدت‌رصدی است که آنتون سیلواووف، وزیر دارایی، اواخر سال گذشته اعلام کرد. الکسی ناوالنی، زندانی سیاسی مخالف پوتین، پس از خرید از فروشگاه زندان گفته است: «قیمت‌ها به حدی افزایش یافته که یک بازتنشسته به‌راحتی نمی‌تواند زندگی خود را تأمین کند. ابتدا کترو کوشیت خورش به یک کالی لوکس تبدیل شد و قیمت آن از ۱۴۰ روبل به ۲۵۰ روبل (۷۹ درصد گران‌تر) افزایش یافت. من شخصاً خیلی وقت است که آن را نخردماد و به شما اطمینان می‌دهم که یک مستموری‌بگیر حداکثر ماهی یک بار می‌تواند سیب‌زمینی و خورش بخورد». گرگ یودین، جامعه‌شناس، به پوتینکو گفت: «کاهی کمی از وضعیت در داخل روسیه وجود دارد. مردم، به‌طور کلی سعی می‌کنند از این‌س موضوع دوری کنند. این باعث شده است که این تصور باقی بماند که ماجراجویی نظامی روسیه بدون هزینه است». به نظر می‌رسد پوتین قصد دارد سیاست خارجی را همان‌طور که روزیابردازی کرده، درنهایت عملی کند؛ آن هم به هر قیمتی.